

Legitimacy and Illegitimacy Styles of Abortion in Iranian Criminal Law and International Instruments

ARTICLE INFO

Article Type
Research Article

Authors

Hamed Roka ¹
Seyed Askari Hosseini Moghadam ^{2*}
Vahid Barari ³
Seyed Ali Hashemi Khanabasi ⁴

How to cite this article

Hamed Roka, Seyed Askari Hosseini Moghadam, Vahid Barari, Seyed Ali Hashemi, Khanabasi, Legitimacy and Illegitimacy Styles of Abortion in Iranian Criminal Law and International Instruments, *Journal of Islamic Life Style Centeredon Health*, 2021:5:211-219.

1. PhD Student, Department of Criminal Law and Criminology, Sari Branch, Islamic Azad University, Sari, Iran
2. Assistant Professor, Department of Law, Sari Branch, Islamic Azad University, Sari, Iran (Corresponding Author).
3. PhD in Criminal Law and Criminology, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran
4. Assistant Professor, Department of Theology and Islamic Studies, Sari University of Agricultural Sciences and Natural Resources, Sari, Iran.

* Correspondence:

Address:

Phone:

Email: dhoseini@gmail.com

Article History

Received: 2021/09/29

Accepted: 2021/12/11

ABSTRACT

Abortion is one of the crimes whose black numbers and figures are perhaps higher and more hidden than many other crimes. Abortion, which is considered a crime in most of the world's legal systems and is punishable by imprisonment, fines and financial punishment, is also punishable in the Iranian legal system and is punishable by the perpetrators and their deputies, although Abortion is one of the most important and controversial issues in various scientific, social and cultural circles of the country, but less is written or spoken about it. All over the world, the problem with abortion is that the laws have nothing to do with what many people actually do. The problems associated with abortion are complex and complex. Abortion is one of the most important social problems and one of the most controversial issues in modern criminal law. Due to the many components involved in abortion criteria in each country, a variety of procedures in the world can be distinguished. Most countries have had different approaches to abortion at different times. This article aims to answer the question of what is the place of abortion in Iranian law and international documents? It has been hypothesized that abortion is one of the crimes that can be punished and that the legislature has not authorized such an act except in exceptional cases. The contents of this article are based on the library and are written in a descriptive-analytical manner. Finally, it has been concluded that abortion is not forbidden in all circumstances, but in some cases it is permissible and even obligatory; Because the protection of the mother's life requires that the fetus be aborted. Of course, abortion must be approved by a group of skilled doctors in this matter, so that all its human and moral aspects are considered.

Keywords: International Documents; Protection of the mother's life; human rights; International rights; The right to life; Abortion

سبک‌های مشروعیت و عدم مشروعیت سقط جنین

در حقوق کیفری ایران و اسناد بین‌المللی

حامد روکا^۱

دانشجوی دکتری، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران

سید عسکری حسینی مقدم^{*۲}

استادیار، گروه حقوق، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران (نویسنده مسئول).

وحید براری^۲

دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

سید علی هاشمی خانعباسی^۳

استادیار، گروه الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی ساری، ساری، ایران.

چکیده

سقط جنین از جمله جرائم است که شاید آمار و رقم سیاه آن از خیلی جرائم دیگر بیشتر و پنهانی‌تر است. اقدام به سقط جنین که در اغلب نظام‌های حقوقی جهان به‌عنوان جرم شناخته شده و حسب مورد برای آن مجازات حبس، جزای نقدی و مجازات مالی در نظر گرفته شده است، در نظام حقوقی ایران نیز وجهه کیفری داشته و برای مرتکبین و معاونین آن مجازاتی در نظر گرفته شده است با وجود اینکه سقط جنین یکی از مسائل مهم و بحث‌برانگیز محافل مختلف علمی، اجتماعی و فرهنگی کشور است، مع‌الوصف کمتر پیرامون آن نوشته یا سخن گفته می‌شود. در تمام دنیا مشکلات و مسائل سقط جنین مربوط به این است که قوانین مربوطه هیچ‌گونه انطباقی با آنچه عملاً بسیاری از افراد انجام می‌دهند، ندارد. مسائل و مشکلات وابسته به سقط جنین سخت در هم و پیچیده است. سقط جنین یکی از معضلات مهم اجتماعی و یکی از موضوعات بحث‌برانگیز در حقوق کیفری عصر حاضر است. با توجه به مؤلفه‌های متکثر دخیل در ضوابط سقط جنین در هر کشور، رویه‌های متنابهی در جهان قابل تمییز می‌باشد. اغلب کشورها در برهه‌های مختلف زمانی برخوردهای متفاوتی با مسئله سقط جنین داشته‌اند.

کلمات کلیدی: اسناد بین‌المللی؛ حفاظت از جان مادر؛ حقوق بشر؛ حقوق بین‌الملل؛ حق حیات؛ سقط جنین.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۰۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۲۰

*نویسنده مسئول: dhoseini@gmail.com

مقدمه

حق حیات به عنوان یکی از حقوق بنیادین بشر قلمداد می‌شود که مبنای برخورداری از سایر حقوق است. حقوق بین‌الملل بشر، حق حیات را از بدو تولد به رسمیت می‌شناسد و نهادهای حقوق بشری بین‌المللی و منطقه‌ای در رویه خود صراحتاً اذعان می‌کنند که در وهله نخست، تمامی حمایت‌های پیش از زایمان باید با لحاظ کردن حقوق بشر زنان از جمله حق سلامت، حق بر بدن و حق حریم خصوصی آنان صورت پذیرد و توجه به حفظ حیات جنین قبل از تولد، در مرحله بعد قرار می‌گیرد. از دیدگاه بسیاری از فعالان حقوق زنان، در چند دهه اخیر در عرصه بین‌المللی، رویکردی در حال شکل‌گیری و تقویت است که تمایل دارد حق حیات را به قبل از تولد نیز تسری دهد و این امر می‌تواند به منزله تهدیدی برای حقوق بشر زنان قلمداد شود. از دیدگاه آنان، این تلاش‌ها عمدتاً ریشه در باورها و اعتقادات ایدئولوژیک و مذهبی دارد و نتیجه گریزناپذیر این گرایش‌ها، نادیده گرفتن حقوق بشر زنان از جمله حق بر بدن و برخورداری از تمامیت جسمانی، حق سلامت و حق بهره‌مندی از خدمات پزشکی و سلامت مربوط به زایمان و پیش از آن، حق کرامت، حق برخورداری از استقلال و تساوی است. از منظر فعالان عرصه حقوق بشر در غرب، در رویکردی که در صد به رسمیت شناختن حق حیات برای جنین قبل از تولد است، یک نکته حائز اهمیت وجود دارد و آن عبارت است از اینکه برای جنین حقوقی (از جمله حق حیات بالاتر از و یا مساوی با حقوق زنان در نظر گرفته می‌شود.

بیان مساله

سقط جنین از جمله جرائم است که شاید آمار و رقم سیاه آن از خیلی جرائم دیگر بیشتر و پنهانی‌تر است. اقدام به سقط جنین که در اغلب نظام‌های حقوقی جهان به‌عنوان جرم شناخته شده و حسب مورد برای آن مجازات‌های حبس، جزای نقدی و مجازات‌های مالی در نظر گرفته شده است، در نظام حقوقی ایران نیز وجهه کیفری داشته و برای مرتکبین و معاونین آن مجازات‌هایی در نظر گرفته شده است. به‌طور کلی سقط جنین یکی از معضلات مهم اجتماعی و یکی از موضوعات بحث‌برانگیز در حقوق کیفری عصر حاضر است. با توجه به مؤلفه‌های متکثر دخیل در ضوابط سقط جنین در هر کشور، رویه‌های متنابهی در جهان قابل تمییز می‌باشد. اغلب کشورها در برهه‌های مختلف زمانی برخوردهای متفاوتی با مساله سقط جنین داشته‌اند. تحولات اجتماعی و مشارکت زنان در عرصه اجتماعی-اقتصادی منجر به ناسازگاری جنبه‌های نظری و عملی شده و زنان بدون توجه به قوانین کیفری اقدام به سقط جنین می‌کنند. زمینه‌های قانونی سقط می‌تواند شامل تهدید حیات مادر، اختلالات جنینی و تجاوز جنسی باشد. برای سقط جنین عمدی در کشورهای مختلف بر اساس فرهنگ، مذهب و قوانین حاکم بر جامعه نظرات متفاوت و متنوع می‌باشد و از این رو سقط جنین یک مسأله بهداشتی، حقوقی و فرهنگی است که از این جنبه‌ها قابل بررسی می‌باشد.

سوال های تحقیق

سوال اصلی

جایگاه سقط جنین در حقوق کیفری ایران و اسناد بین المللی چگونه است؟

سوال های فرعی

احکام سقط جنین در حقوق کیفری ایران به چه نحو بیان شده است؟

مشروعیت سقط جنین در حقوق کیفری بین المللی به چه نحو بیان شده است؟

فرضیه های تحقیق

فرضیه اصلی

در حقوق کیفری ایران و بین الملل، اصل بر عدم جواز سقط جنین است اما در صورتی که ضرری متوجه جنین یا مادر جنین باشد، با شرایط سقط جنین مجاز می باشد.

فرضیه های فرعی

در حقوق کیفری ایران با توجه به قواعد فقهی مانند لاجرح و لاضرر و همین طور اضطرار صرفاً در صورت وجود خطر جانی برای مادر و فقط قبل از دمیده شدن روح، سقط جنین را به منظور حفظ حیات مادر جایز می دانند.

در حقوق بین الملل کیفری در صورت به خطر بودن جان مادر، سقط جنین مجاز شناخته شده است.

پیشینه

۱-بهداری سیاست جنائی تقنینی نظام حقوق ایران در خصوص سقط جنین، جنایات (اعم از نفس یا مادون نفس، اعم از عمدی یا غیرعمدی) فقط علیه تمامیت جسمانی اشخاص حقیقی امکان پذیر می باشد. بنابراین از بین بردن تمام یا قسمتی از اجزا و بخش های اشخاص حقوقی، ایراد جنایت اطلاق نمی شود.

۲-باغستانی در پژوهشی تحت عنوان تحلیل حقوقی و جرم شناهتی سقط جنین، سالیانه زندگی و سلامت میلیونها انسان به علت پایان بخشیدن به حاملگی های نا خواسته در معرض خطر جدی قرار می گیرد. وقوع میزان چشمگیر سقط های القایی و غیر بهداشتی در سراسر جهان به ویژه در جوامع در حال توسعه و منجر شدن بسیاری از این سقط ها به مرگ و میر مادران در سنین باروری، بر جای گذاردن صدها هزار ناتوانی جسمی و جنسی گزارش بالاترین آمار و ارقام سقط های غیرایمن از جوامع در حال توسعه، به ویژه جوامعی با منع و محدودیت قانونی بیشتر، از مشکلات عمده سلامت باروری زنان است که ضرورت بررسی جامع ابعاد مختلف سقط جنین را در جوامع مختلف، از جمله ایران را آشکار می سازد.

۳-مصمصای در پژوهش تحت عنوان بررسی تطبیقی جرم سقط جنین در ایران و انگلستان، جرم سقط جنین که از جمله جرائم زنان می باشد، امروز گریبانگیر تمامی کشورهای دنیا به خصوص کشورهای پر جمعیت شده است. که بازتاب این معضل اجتماعی تاثیر گذار بر دیگهای حقوقدانان و جرم شناسان بوده است.

۴-رستمی و همکاران بررسی تطبیقی قوانین سقط جنین در کشورهای جهان، روزانه ۹۱۰۰۰۰ مورد حاملگی در دنیا اتفاق می افتد که یک چهارم از این حاملگی ها ناخواسته می باشند و

۱۵۰۰۰۰ مورد از طریق سقط خاتمه می یابند که ۵۰۰ مورد به مرگ مادر منجر می گردد. سقط غیر ایمن از عواقب خطرناک حاملگی ناخواسته بوده و یکی از علل مهم مرگ و میر مادران می باشد.

مفهوم سقط جنین

الف) سقط جنین در لغت

جنین در معنای لغوی عبارت است از هر چیز پوشیده و مستور تا زمانی که در شکم مادر است و از دید پنهان است (۱)، همچنین در اصطلاح فقهی و حقوق کیفری هم به این معنا به کار می رود و مبدأ حیات جنینی، ابتدای استقرار نطفه و آبتنی مادر و نهایت آن، لحظه ولادت طفل تلقی می شود (۲). به طور کلی، به بچه تازمانی که در شکم مادر است و زاییده نشده است جنین اطلاق می شود سقط نیز در لغت به معنای افتادن، سقوط کردن، انداختن، خارج شدن، از بین رفتن، و واقع شدن است. در یکی از تعاریف که براساس فرهنگ لغت معین آمده است، لفظ سقط کلمه ای است با ریشه عربی که مانند اصطلاحات دیگر عربی به زبان فارسی راه یافته است و از مصدر عربی سقوط گرفته شده است، که به معنای افتادن، لغزش و انداختن شدن به کار می-رود. کلمه سقط در فارسی غالباً به کسر اول متداول است.

ب) سقط جنین در فقه و حقوق

سقط جنین در معنای حقوقی: «به اخراج عمدی جنین از رحم، قبل از موعد طبیعی به نحوی که قابل زیستن نباشد گفته می شود». البته علمای علم حقوق بحث سقط جنین را در فصل قتل نفس مطرح می کنند و تعریف های گوناگونی از سقط جنین ارائه نموده اند، که در اینجا به چند مورد آن اشاره می گردد. «سقط جنین عبارت است از اخراج حمل قبل از موعد طبیعی زایمان به نحوی که زنده یا قابل زیستن نباشد». (۲)

«سقط جنین عبارت است از جنین که نه به صورت طبیعی افکنده شود، خواه به جرم باشد خواه نه، خواه با اعمال دارو و یا به طورصناعی باشد خواه نه». (۳)

«اخراج عمدی یا خطایی جنین یا حمل در یکی از مراحل حیات جنینی یا حیات قابل زیستن مشروط به اینکه جنین یا حمل تلف شود یا قابل زیستن نباشد». (۴)

«سقط جنین یا سقط حمل عبارت است از اخراج عمدی قبل از موعد طبیعی جنین یا حمل از بطن مادربه نحوی که زنده خارج نشود و یا قابل زیستن نباشد و یا منقطع ساختن دوران طبیعی بارداری». (۵)

همچنین می توان گفت سقط جنین از نظر حقوقی، به معنای انجام هرگونه اعمال مجرمانه است که موجب توقف دوران تکامل جنینی و اخراج قبل از موعد طبیعی آن خواهد شد.

پروفسور گارو در تعریف آن گفته است: اخراج عمدی و قبل از موعد زایمان. گارو حقوقدان دیگری فرانسوی، سقط جنین را منقطع ساختن دوران طبیعی بارداری تعریف کرده است.

در یک تعریف گویا و جامع سقط جنین عبارت است از: اخراج خود به خودی، یا با واسطه، جنین یا حمل، با آگاهی از وجود آن و با قصد اسقاط بدون مجوز قانونی.

۲- باید آن خطر پزشکی، به سبب وجود جنین یا بقای آن جنین در رحم مادر باشد.

۳- هیچ راه چاره‌ی دیگری، جز سقط حمل وجود نداشته باشد.

۴- اقدام به این عمل، باید تحت نظارت متخصصان پزشک و در بیمارستان‌های که احتیاجات لازم را برای این عمل وجود داشته باشد انجام شود.

شایان ذکر است، که ماده خاص در حقوق کیفری عراق از این نوع سقط نیامده است، که یکی از انتقادات‌های بارزیست، که روبه روی قانون مجازات عراق می‌شود. اما می‌توان با استفاده از ماده‌ی (۶۳) قانون مجازات عراق مصوب ۱۹۶۹، در حالت ضرورت که ادامه بارداری برای جان مادر خطرناک باشد در مورد سقط جنین درمانی و از عدم مسئولیت جنایی در حالت ضرورت استفاده کنیم. همچنین می‌توان از رهنمایی‌های وزارت بهداشتی عراق که در سال ۱۹۵۸ صادر شده است، در حالتی که زن مثلاً به سبب حمل، عوارض جسمانی داشته باشد، پس از آنکه با ارائه مدرک بیماری با تشخیص قطعی سه پزشک متخصص که ادامه بارداری برای مادر در خطر باشد، اجازه سقط جنین را صادر شود، در غیر این صورت، پزشک یا مرتکب سقط جنین موجب مسؤولیت کیفری خواهد نمود.

اما در قانون مجازات اسلامی ایران در مورد سقط جنین درمانی ماده واحده قانون سقط درمانی^۱ مصوب سال ۱۳۸۴، وجود دارد، در این ماده در صورتی که ادامه بارداری برای مادر توأم با خطر باشد یا موجب تشدید عوارض مرضی و وخامت حال او گردد با ارائه مدرک بیماری مادر به مراجع قانونی و ارجاع پرونده به سازمان پزشکی قانونی و بررسی وضع مادر مبنی بر لزوم قطع بارداری و سقط جنین طبی مجوز آن جهت وی صادر می‌گردد.

البته ابهامی که در این مورد وجود دارد، معنای خطر جانی است که ممکن است برداشت‌های مختلف از آن به دست آید. عموماً می‌توان گفت، در قوانین بسیاری از کشورهای منظور از خطر جانی، خطر بسیاری (نزدیک به مرگ) است.

گاهی اقدام به سقط جنین درمانی برای حفظ سلامت جسمانی و روانی مادر انجام می‌گیرد. در بین ۱۳۱ کشور جهان که تقریباً ۶۵٪ از کشورهای جهان را تشکیل می‌دهند، چه به صورت مطلق و یا مشروط، در صورت که ادامه بارداری خطر آسیب به سلامت جسمانی و روانی مادر را برداشته باشد، سقط جنین تجویز می‌شود. این میزان در کشورهای توسعه یافته ۹۸٪ و در کشورهای در حال توسعه ۵۲٪ است (۶)

ج: سقط جنین ضربه ای

سقطی است که در اثر منازعات و اتفاقات رخ می‌دهد که عمل سقط کاملاً اتفاقی است و مرتکب قصدی ندارد مانند تصادفات رانندگی و امثال آن

سقط جنین در اصطلاح فقها هم کلمه اجهاض در همان معنا، معنای لغوی یعنی سقط جنین قبل از زمان مقرر یا به طور ناقص الخلقه استعمال شده است. اما با این وجود فقها میان سقط جنین به خودی خود و انداختن آن به واسطه عمل کسی فرق قائل شده اند، بدین معنا که سقط ناشی از فعل شخص را بر عکس حالت اول جرم و قابل مجازات به شمار آورده اند. آنان همچنین در بسیاری اوقات به جای واژه‌ی اجهاض مترادف‌های آن از قبیل اسقاط، القاء، طرح، و املاص که همه به معنای سقط جنین است استعمال کرده اند.

اقسام سقط جنین

بعد از اینکه مفهوم لغوی و اصطلاحی سقط جنین را بیان کردیم، ضروری است که گونه‌های سقط جنین و تمایز آن با عناوین مشابه را بیان کنیم.

الف: سقط جنین عادی

سقط جنین عادی که به آن سقط جنین طبیعی و یا خود به خودی هم گفته می‌شود. این نوع از سقط جنین، علی‌رغم میل و خواسته‌ی زن و شوهر و یا هر شخص دیگری به علت بیماری‌های مربوط به مادر و جنین، بدون اینکه فرد در سقط آن دخالت داشته باشد، انجام می‌شود. در این نوع سقط هیچ‌گونه مسؤولیتی متوجه مادر یا هر شخص دیگری نخواهد بود. پزشکان متخصص در این مورد می‌گویند که نسبت زیاد از جنین سقط شده، ناهنجاریها هستند و نسبت ۱۰٪ از بارداری‌ها که سقط می‌شوند، به سبب بیماری‌های گاهی مربوط به جنین، گاهی مربوط به خود زن باردار

ب: سقط جنین درمانی

یکی دیگر از انواع سقط جنین، سقط درمانی است که به آن سقطی طبی یا قانونی هم اطلاق می‌شود. علقه زوجیت موجب تولد فرزند است که در عین تداوم نسل بشری، باعث بقای زندگی شده و آرامش روحی و روانی را در محیط خانوادگی فراهم می‌کند. اما گاه اتفاق می‌افتد که به دنیا آمدن فرزند باعث به مخاطره افتادن سلامت مادر می‌گردد، سقط جنین در این حالت مذکور، تأسیس است که می‌تواند مخاطرات امر را برای مادر و جنین و خانواده و در نهایت جامعه نیز از بین برده و زندگی توأم با آرامشی را به وجود آورد. سقط جنین درمانی، سقطی است که جنبه‌ی درمانی دارد و معمولاً با مشاوره پزشکی و نظر کارشناس پزشکی قانونی و اجازه رسمی مقامات قضایی انجام می‌گیرد.

این نوع از سقط حالتی است که ادامه حاملگی برای زن خطرناک و جان مادر به علت بیماری و... در خطر باشد و وضعیتی است که قطع دوران حاملگی برای جلوگیری از عوارض جسمانی یا روانی زن، حتی به عنوان یک ضرورت برای نجات زندگی مادر مطرح می‌شود.

عموماً برای سقط جنین درمانی، باید چند شرط وجود داشته باشد:

۱- باید حیات مادر در خطر باشد و این خطر از سوی کمیته پزشکی ثابت شود.

^۱ ماده واحده سقط درمانی سقط درمانی با تشخیص قطعی سه پزشک متخصص و تأیید پزشکی قانونی مبنی بر بیماری جنین که به علت عقب افتادگی یا ناقص الخلقه بودن موجب حرج مادر است و یا بیماری مادر که با تهدید جانی مادر

توأم باشد قبل از ولوج روح (چهار ماه) با رضایت زن مجاز میباشد و مجازات و مسؤولیتی متوجه پزشک مباشر نخواهد بود. متخلفین از اجرای مفاد این قانون به مجازاتهای مقرر در قانون مجازات اسلامی محکوم خواهند شد.

د: سقط جنین جنایی

سقطهائی که به عمد خواسته شده تا به بارداری پایان داده شود و قطع عمدی بارداری و بیرون آوردن جنین به عمد با وسایل پزشکی و غیر آن انجام می شود. خواه توسط خود مادر صورت گیرد، یا شخصی دیگر خواه به میل مادر یا بدون میل مرتکب آن گردد. این نوع از سقط از نظر قانونی و شرعی جرم بوده، و مرتکب آن مجازات می شود.

همچنین می توان گفت سقط جنایی سقطی است، که با هدف نجات شدن از حمل بدون هیچ بهانه قانونی و به هر وسیله‌ای که باشد، انجام میشود (۷)

عموماً برای سقط جنین عمدی باید چند شرط وجود داشته باشد:

۱- عملیات منجر به اخراج جنین قبل از موعد طبیعی زایمان انجام پذیرد.

۲- این کار را از طریق به کارگیری وسایل مصنوعی یا اعمال فیزیکی از سوی مرتکب انجام شود.

قصد جنایت. باید مرتکب سوء قصد این عمل را داشته باشد.

مجازات سقط جنین

الف: مجازات افراد غیرمتخصص

طبق ماده ۶۲۳ قانون مدنی: «هر کس به واسطه دادن ادویه یا وسایل دیگر موجب سقط جنین زن گردد به شش ماه تا یک سال حبس محکوم می شود. و اگر عالماً و عامداً زن حامله‌ای را دلالت به استعمال ادویه یا وسایل دیگر نماید که جنین وی سقط گردد به حبس از سه تا شش ماه محکوم خواهد شد. مگر این که ثابت شود این اقدام برای حفظ مادر می باشد و در هر صورت مورد حکم به پرداخت دیه مطابق مقررات مربوط داده خواهد شد.

ب: مجازات افراد متخصص

به موجب ماده ۶۲۴ قانون مدنی: «اگر طبیب یا ماما یا دارو فروش و اشخاصی که به عنوان طبابت یا مامایی یا جراحی یا دارو فروشی اقدام می کنند وسایل سقط جنین فراهم سازند و یا مباشرت به اسقاط جنین نمایند به حبس از دو تا پنج سال محکوم خواهند شد و حکم به پرداخت دیه مطابق مقررات مربوط صورت خواهد پذیرفت.»

قانون گذار در ماده فوق برای پسرک، ماما، و... به لحاظ سمت و شغل آن‌ها مجازات را تشدید نموده است و قائل به شدت عمل خاص شده است. زیرا پزشک، ماما، جراح و... قسم خورده‌اند و به موجب آن باید حافظ نسل باشند و نه قاتل آن‌ها و مراجعه مردم به آن‌ها ناشی از اعتمادی است که به آنان دارند و به علاوه اطلاعات و معلومات طبی آن‌ها نیز این جنایت را تسهیل می کند، حتی در مورد اشخاص مذکور در ماده فوق فراهم آوردن وسایل را به طور کلی کافی برای وقوع جرم دانسته است اعم از این که شخصاً مباشرت کنند یا با دیگری، بنابراین اگر پسرک و... دارو یا وسایل سقط را تهیه و در دسترس خود زن که می خواهد سقط جنین کند قرار دهد کافی برای تحقق جرم خواهد بود و عمل مذکور معاونت تلقی نمی شود بلکه جرم مستقلی است.

ج: مجازات سقط جنین توسط مادر

طبق ماده ۴۸۹ ق.م: «هرگاه زنی جنین خود را سقط کند دیه آن را در هر مرحله‌ای که باشد باید بپردازد و خود از آن دیه سهمی نمی برد».

مجازات سقط جنین توسط مادر، پرداخت دیه می باشد که طبق قانون یک نوع مجازات تلقی شده است اما به نظر می رسد در اینجا اشاره به سقط جنین قبل از ولوج روح در جنین باشد.

البته لازم به کر است که سقطهای انجام شده در مکان‌های غیربهداشتی صورت گرفته و موجب ایجاد آسیب‌های جدی بر مادران و جنین شده و حتی امکان بارداری مجدد را از مادر گرفته یا منجر به فوت زنان شده است.

ت: مجازات سقط جنین غیرعمدی

در صورتی که سقط جنین ناشی از ضرب و حرج عمدی باشد ولی مرتکب قصد نتیجه نداشته باشد. (سقط جنین شبه عمد) و همچنین در موردی که خود ضرر و جرح غیرعمدی باشد، مرتکب را نمی تواند به عنوان اسقاط جنین عمدی مجازات نماید تنها مجازاتی که درباره او مقرر است همان مجازات ضرب و حرج عمدی به اضافه پرداخت دیه مطابق مقررات باشد ولی در صورتی که سقط جنین غیرعمدی ناشی تقصیر راننده وسایل نقلیه زمینی، دریایی و هوایی باشد طبق مواد ۷۱۴ و ۷۱۵ و ۷۱۶ مجازات خواهد شد. در این مواد قانون گذار برای هر یک از دو صورت وضع حمل قبل از موعد طبیعی که در آن طفل زنده می ماند و سقط جنین مجازات جداگانه‌ای تعیین نموده است. البته لازم به ذکر است که طبق قانون مجازات اسلامی مصوب مرداد ماده سال ۱۳۹۲ مجازات سقط جنین در موارد ۳۰۶، ۷۲۰، ۷۱۸، ۷۱۷، ۷۱۶، ۵۵۶، ماده ۷۲۱ اشاره شده است.

پ: حق حیات جنین

حق حیات یکی از حق‌های بنیادین انسان محسوب می شود که تقریباً در تمامی اسناد مهم و اصلی حقوق بشر مورد عنایت قرار گرفته و بر احترام به این حق تأکید شده است. طرفداران سقط جنین با تکیه بر این حق، زن حامله را در اسقاط جنین خود، محق فرض می کنند. در مقابل مخالفان سقط جنین نیز با استناد به همین حق حیات، معتقدند که جنین به مانند زن حامله دارای حق حیات است و بر این باور مبتنی بر جواز سقط جنین نشاء گرفته از نادیده گرفتن حق حیات جنین است. بنابراین از دیدگاه ایشان منوط اغلب طرفداران جواز سقط جنین بنا بر میل و خواست زن، این است که زن حامله ملزم به ارائه هیچ دلیلی اعم از موجه و غیرموجه نیست. در غالب موارد، ایشان قصد از بین بردن موانع پیش روی آزادی جنسی را دارند. در حالی که بی بندوباری در روابط جنسی با فلسفه ارسال رسل که متمم مکارم اخلاق است، منافات دارد. بنابراین امری ناپسند و مردود است. به علاوه رعایت این آزادی، نمی تواند مجوز سقط جنین باشد. چراکه به حکم عقل و وجدان آزادی انسانی، اگر میل و خواست زن و یا لزوم التذاذ جنسی در یک کفه ترازو و قتل نفس محترمه در کفه‌ی دیگر ترازو قرار داده شود. هر گز میل و خواست و التذاذ جنسی، مساوی با جواز سقط جنین به ویژه بعد از

در حیان انسان، تفاوتی در نتیجه نهایی ایجاد نمی‌کند. پس رعایت حقوق بشر و ارتقا سطح آن، نه تنها ضامن صلح در تعاملات عام و خاص میان ابناء بشر است بلکه موجب حفظ و گسترش آن در میان ملت‌ها و تمدن‌ها و در نهایت اعضای اصلی جامعه جهانی یعنی کشورها می‌گردد. در این راستا می‌وان از اعلامیه جهانی به‌مثابه معیاری برای رفتار با بشر و شناخت ارزش‌های ذاتی او یاد کرد.

شان به معنای ارزش ذاتی است. پس مطالبه بشر برای صیانت از شان او به مفهوم مطالبه حقی بنیادین است. مقدمه اعلامیه میان مفاهیمی چون «حقوق بشر» از سوی دیگر، ارتباط برقرار کرده است و همه این مفاهیم و زیرمجموعه‌هایشان را زیر چتر «حقوق لایتجزای بشری» و حمایت یکسان قانون جای داده است. بدین ترتیب هر آنچه ریشه در شان و مرتبت و حقوق بشر دارد قابل اعطا یا استرداد یا اعراض نیست. از همین رو است که احدی را نمی‌توان به بردگی گرفت. کما این که احدی نمی‌تواند خود را به بردگی دهد و باز بر همین مبنا است که اقدام کشورها در تنظیم معاهدات حقوق بشری، به‌منزله تفویض حقوق مذکور به نوع انسان نیست بلکه در حقیقت به مفهوم شناسایی اصول حقوقی از قبل موجود توسط آن‌ها است.

ماده ۱ اعلامیه به بیان برخی حقایق بشری پرداخته است که درک آن‌ها می‌تواند کمک مؤثری برای درک سند باشد. بر اساس این ماده، انسان آزاد زاده می‌شود و از حیث شان و حقوق یکسان است. ارزش تساوی و عدم تمایز انسان‌ها نسبت به یکدیگر مجدداً در ماده ۲ آن سند مورد تأکید قرار گرفته است. با این که میان انسان‌ها هیچ تفاوتی از حیث نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، وابستگی‌های فکری یا سیاسی، ملی، اجتماعی، اقتصادی، و... وجود ندارد. به همان نسبت «کبیر و صغر سن، تندرستی یا عدم آن و...» نیز نمی‌تواند موجبی برای اعمال تبعیض در میان آدمیان محسوب گردد. ماده ۱۳ اعلامیه، با قرار دادن برخی ارزش‌های انسانی در قالب حق، آن‌ها را تحت حمایت حقوق بشر قرار می‌دهد. و بیان می‌دارد: «هر کس دارای حق بر حیات، آزادی و امنیت شخصی است». بدین ترتیب برخی امور چون حیات انسان، غیرقابل تعدی و لاینفک از ذات او به شمار می‌روند. از نحوه قرار گرفتن عبارات و ترتیب آن‌ها در متن ماده، معلوم می‌گردد فراهم نمودن بستر آزادی و امنیت فارغ از وجه به مفهوم حیات امری عبت می‌نماید زیرا منطقاً حق بر حیات در رأس سایر حقوق متعلق به بشر قرار دارد. در سال ۱۹۴۸ به هنگام تنظیم ماده ۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر، پیشنهادهایی درباره گنجاندن حق جین بر حیات در متن آن سند مطرح شد. ولی هیچ‌یک از آن‌ها به رأی گذارده نشد. و سرانجام به همین عبارت کنونی یعنی «هر کس دارای حق بر حیات» است، بسنده شد. با این حل نباید کمان برد که این امر به‌منزله عدم توجه اعلامیه به حقوق انسان‌های تولد نیافته است. به نظر می‌رسد منظور از عبارت «هر کس» در حقیقت تمامی اعضای خانواده بشری و دربرگیرنده هر آن چیزی است که می‌توان بر آن لفظ انسان را اطلاق کرد. بنابراین بر اساس اعلامیه جهانی حقوق بشر تمامی اعضای خانواده بشری دارای شخصیت انسانی تلقی شده‌اند. این معنا از آن وجه مورد توجه قرار گرفت که بسیاری از طرفداران

دمیده شدن روح نخواهد بود. بلکه رعایت حق حیات بر میل و خواست و التذاذ جنسی مقدم خواهد بود. بنابراین سقط جنین برای عدم محدودیت این آزادی، مجوزی نخواهد داشت. علی‌رغم این تفاسیر حق حیات جنین در هیچ‌یک از اسناد بین‌المللی به‌طور صریح مورد اشاره قرار نگرفته است و حتی کمیسیون اروپایی حقوق بشر در دعوی Paton V united kingdom در مقام توضیح ماده ۲ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر که از حق حیات «هرکسی» نام برده است، اظهار داشت که اگرچه چنین مستحق برخورداری از برخی حقوق است اما ماده ۲ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر نمی‌تواند مانع سقط جنین زن حامله‌ای که برای حفظ سلامت جسمی و روانی خود مبادرت به سقط جنین می‌کند، شود. (۸)

رهیافت‌های مشروعیت یا عدم مشروعیت سقط جنین در اسناد بین الملل

الف: منشور ملل متحد

نخستین سند بین‌المللی مهمی که به نحوی می‌تواند مسئله سقط جنین را از زاویه آن نگریست، منشور ملل متحد است که بر اساس ماده ۵۵ آن اعضای سازمان ملل متحد متعهد گشته‌اند «سطح احترام و رعایت حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین همه (انسان‌ها) را بدون هیچ تبعیضی از حیث نژاد، جنس، زبان یا مذهب، ارتقا دهند. بنابراین تمامی اعضای سازمان ملل متحد باید برای تضمین اعمال حقوق بشر به همکاری با یکدیگر و نیز همکاری با سازمان بپردازد. اگرچه منشأ استدلال فوق یک تعهد قراردادی است. ولی می‌توان گفت که امروزه نوعی وفاق عام برای صیانت از حقوق بشر شکل گرفته است. وفاقی که فراتر از تعهدات قراردادی بوده و معطوف به اجرای اصول است. با این وصف ضروری است، نسبت به شناخت اصول حقوق بشر و بنیادی‌ترین اصل آن که نادیده انگاشتن آن به‌منزله نادیده انگاشتن تمامی حقوق بشر می‌باشد، اقدام کرد.

بند دوم: اعلامیه جهانی حقوق بشر

اعلامیه جهانی حقوق بشر بر مبنای تفکر وجود آن دسته از ارزش‌های انسانی تدوین گشته است که متعلق ذات بشر هستند. در مقدمه اعلامیه چنین آمده است: «اساس آزادی، عدالت و صلح در جهان»، عبارت است از شناسایی شان ذاتی و حقوق لاینفک تمامی اعضای خانواده بشر».

بدین اعتبار می‌توان گفت: شان ذاتی تمامی انسان‌ها از هر رنگ و جنس و نژاد اعم از قوی و ضعیف، کوچ و بزرگ، هوشمند و غیرهوشمند، به‌طور یکسان باید تحت حمایت قانون قرار گیرد و شدت و ضعف توان آدمی بر این مؤثر نیست. البته این بدان معنا نیست که تمامی انسان‌ها از منظر حقوق در یک ردیف قرار می‌گیرند. باین‌حال شان انسانی، انسان در تمامی آدمیان دارای ارزشی واحد و یکسان است و بر همین مبنا انجام اموری چون به ردگی کشیدن انسان‌ها به‌منزله نفی شان ذاتی آنان است این‌همه بدان سبب است که نادیده انگاشتن شان انسانی و تحقیر انسانیت در مفهوم انتزاعی آن، این موجود خاکی را به طغیان و شورش و خواهد داشت و در این میان موجود بودن یا نبودن انسان تأثیری بر نتیجه امر نخواهد داشت. بنابراین نادیده انگاشتن حقوق انسان‌های موجود یا تحقیر حقوق بشر به‌طور عام و صرف نظر از مقاطع خاص زمانی

سقط جنین عمل مذکور را از این جهت مشروع می‌دانند که جنین را فاقد شخصیت انسانی تلقی می‌کنند.

ب: میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی

میثاق حقوق مدنی و سیاسی حق حیات را از حقوق ذاتی شخص انسان دانسته که این حق باید به موجب قانون حمایت شود. این میثاق ضمن تأکید بر حیثیت ذاتی انسان دولت‌های متعهد را در احترام به حقوق انسانی و تضمین حق ذاتی حیات متعهد و ملتزم کرده است. بر اساس بند ۱ ماده ۶ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، «هر انسانی دارای حق ذاتی بر حیات است» اضافه می‌شود «حق بر حیات» تنها حقی است که در سراسر آن سند تحت عنوان «حق ذاتی» معرفی شده است. و کمیته حقوق بشر از این حق با عبارت «حق بر تر» نام برده است. در بند ۲ ماده ۶ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی آمده است:

در کشورهایی که مجازات اعدام لغو نشده صدور حکم اعدام جایز نیست مگر در مورد مهم‌ترین جنایات که طبق اقلون لازم اجرا است. البته آن‌هم نباید با مقررات این میثاق و کنوانسیون‌هایی که پیرامون جلوگیری و مجازات کشتار دسته‌جمعی است منافات داشته باشد.

حق بر حیات حقی غیرقابل تخطی و تا بدان جا مقدس است که حتی به هنگام بروز «ضرورت‌های اجتماعی که حیات یک ملت را در معرض تهدید قرار می‌دهند، نمی‌توان از این حق عدول کرد». نکته مستمر در این قاعده بسیار بااهمیت است. زیرا بر مبنای آن حیات فردی به ارزشمندی حیات جمعی تلقی شده است و تفکر حاکم بر قاعده نیز مؤید ارجمندی اصول بنیادین حقوق بشر است. پس هر اقدامی که علیه انسانیت و مبانی عقلی خالق این قاعده صورت گیرد به معنای نقض حق بر حیات و سس نمودن اصول میثاق است. با این اصناف آن چه مسئله سقط جنین را از حساسیت ویژه‌ای برخوردار می‌سازد، تعارض حقوق بشری در آن است. این حقوق عبارت‌اند از حق جنین بر حیات و حی زن بر اختیار.

بدیهی است که تعارض حقوق موجب محدودیت آن‌ها می‌شود. با این وجود توجه به حق خاصی در حقوق بشر نباید در برادرنده نقض سایر حق‌ها باشد. یعنی محترم شمردن حق بر اختیار نباید منتهی به زیر پا گذراندن حق بر حیات گردد.

پ: کنوانسیون اروپایی حقوق بشر

ماده دو کنوانسیون اروپایی حقوق بشر با اشاره به حق حیات و لزوم احترام به آن می‌گوید:

سلب حق حیات باید فقط به موجب قانون و در پی ارتکاب جرم به حکم دادگاه صالح و پس از محاکمه عادلانه باشد. البته بر اساس پروتکل شماره ۶ این کنوانسیون مجازات اعدام لغو و دولت‌هایی که به آن پیوسته‌اند متعهدند هیچ جرمی را به استثنای برخی اعمال در زمان جنگ یا تهدید جنگ از سوی دشمن به مجازات اعدام محکوم نمایند.

در ماده ۱۵ این کنوانسیون تأکید شده که حتی در زمان جنگ و وضعیتی اضطراری دولت‌های عضو نمی‌توانند از اجرای مقررات ماده ۲ مربوط به حفظ حق حیات شانه خالی کنند. هم‌چنین ماده ۴ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر می‌گوید:

قانون باید حیات فرد انسانی را از لحظه حمل مورد حمایت قرار دهد. ضمن این که بر اساس همین ماده مجازات اعدام برای افراد کمتر از ۱۸ سال و بالاتر از ۷۰ سال ممنوع دانسته شده است. (همان)

مبتهی بر این اسناد بین‌المللی عام حقوق بشر و نیز تجربه دادگاه‌های حقوق بشر، برخی مباحث نظری درباره موضوع حق حیات و سلب آن قابل دریافت است. نخست آن که دولت‌ها نه تنها از سلب حیات اشخاص منع شده‌اند بلکه موظف‌اند در درجه اول، زمینه هرگونه نقض حقوق آن‌ها را از بین ببرند و حتی با پیش‌بینی قبلی برای رفع خطرهای جانی از آن‌ها اقدام کنند. و در درجه دوم به تعهدات مرتبط با حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که جز حقوق مثبت هستند توجه داشته باشند و زمینه‌های بهره بردن افراد را از آن حقوق فراهم کنند. این نظریه تحت عنوان «عهد مثبت برای حمایت از حقوق بنیادین» در نظام بین‌المللی حقوق بشر مطرح است. دوم این که، اگر به هر یک از این قواعد حقوق بشر به مثابه قاعده‌ای حقوق بنگریم باید تمایز امری یا تکمیلی بودن قواعد را در قبال آن قاعده اعمال کنیم. بدون تردید قواعد حقوق بنیادین بشر، در وهله اول، قواعدی هستند که توافق برخلاف آن‌ها اعتباری ندارد و هیچ‌کس نمی‌تواند از نقض حقوق خود ابراز رضایت کند. از این منظر، سلب حقوق بنیادین مثل حق حیات یا سلب حقوق به‌طور کلی فاقد اعتبار حقوقی است. امری بودن قواعد ناظر به حقوق بشر و هم‌چنین قاعده منع سلب حقوق نشان می‌دهد که هیچ‌کس واحد چنان آزادی نیست که این قاعده را به ضرر خود نقض کند. از آنجایی که بر حق حیات و احترام به آن در اسناد متعدد بین‌المللی به صراحت تأکید شده است سلب این حقوق که منجر به ناممکن بودن بهره‌برداری از سایر حقوق نیز می‌شود ممنوع و فاقد اعتبار حقوقی است. به‌طور کلی، می‌توان گفت بر اساس اسناد بین‌المللی عام حقوق بشر، حقوق بنیادین بشر حقوقی سلب نشدنی و اعراض ناپذیرند افراد نمی‌توانند با سلب حقی بنیادین، امکان بهره‌مندی‌شان از سایر حقوق را از بین ببرند. زیرا در آن صورت دورنمای جامعه انسانی به احتمال فراوان چیزی جز ویرانی نخواهد بود. بنابراین از این منظر و علی‌رغم پذیرش اصل آزادی در حقوق بشر، انسان نمی‌تواند خود را از حق بنیادینی چون حق حیات، که بهره‌مندی فرد از سایر حقوق کاملاً وابسته به آن است محروم کند. و چه بسا وظیفه دارد تا حد امکان از حق حیات خویش پاسداری کند. (۹)

دولت‌ها نیز موظف‌اند برای پاسداری از این حقوق از طریق راهکارهای فرهنگی، اجتماعی، حقوقی، بهداشتی، پزشکی و توسعه‌ای اقدام کنند.

ت: کنوانسیون منع و مجازات جنایت امحای نژادی

بر اساس ماده دوم کنوانسیون، عمل «نفرت‌انگیز» نسل‌کشی از جمله شامل به قتل رساندن اعضای یک گروه و تحمیل اعمالی به قصد جلوگیری از زادوولد در میان آنان است، بنابراین می‌توان معتقد بود که قسمت اخیر ماده متضمن حق انسان‌های تولد نیافته بر حیات است. در بخش دیگری از همان ماده، نسل‌کشی شامل اعمال دیگری با قصد نابود ساختن تمام یا بخشی از یک گروه ملی، قومی، نژادی یا مذهبی شده است. آنچه مفاد این ماده را با بحث ما مرتبط می‌کند، تفسیر قابل اراده از عبارت «تمام یا بخشی از یک گروه» است. اگر

حقوق عرفی بین‌المللی وجود ندارد و هیچ‌کدام از معاهدات سازمان ملل متحد حقی مبنی بر « حق سقط جنین » را ایجاد نکرده‌اند و آن را به رسمیت نشناخته‌اند. (ibid) لذا دولت‌ها در وضع قوانین در این خصوص بر اساس صلاحیت داخلی شأن آزاد هستند. در این میان در میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی قاعده‌ای وجود دارد که نشان می‌دهد این میثاق، جنین را به‌عنوان یک عضو از خانواده بشری به رسمیت می‌شناسد و دولت را موظف می‌نماید جهت حفاظت از حق ذاتی حیات جنین هنگامی که زندگی و به خاطر حکم اعدام مادرش، در معرض خطر قرار قرار گرفته است، از مجازات اعدام مادر جنین بی‌گناه، جلوگیری نماید. (۱۲) نیک پیدا است که علت درج قاعده ممنوعیت اعدام زنان باردار، به رسمیت شناختن ارزش زندگی کودک در رحم مادر می‌باشد. از آنجا که همه زنان دیگر ممکن است در معرض مجازات اعدام قرار گیرند. این بند از ماده ۶ میثاق می‌تواند به‌عنوان شناسایی وضعیت مستقل جنین از مادر تعبیر شود.

سازمان ملل متحد در مقدمه اعلامیه حقوق کودک و پس‌از آن در مقدمه کنوانسیون حقوق کودک اعلام می‌نماید که کودک به دلیل عدم بلوغ جسمی و روانی خود، نیازمند تضمین‌ها و مراقبت‌های خاص است از جمله حمایت‌های قانونی مناسب پیش و پس از تولد این عبارت بندی از یک سو حقوق بشری جنین را مورد پذیرش و شناسایی قرار داده است و از سوی دیگر اثبات می‌کند که منظور از کودک در متون حقوقی، شامل کودک متولد شده و کودک متولد نشده می‌شود لذا با توجه به روح اعلامیه حقوق کودک و کنوانسیون حقوق کودک می‌توان بر آن بود که حفظ جان اطفال تولد نیافته مورد توجه حقوق بین‌الملل می‌باشد. و اعمال سقط جنین به‌صورت آزاد در شرایط غیر اضطراری، به‌منزله نقش حقوق بین‌الملل خواهد بود (۱۰).

در خصوص نقش ماده ۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر با تجویز سقط جنین و شناسایی حق مادران بر سقط جنین، در حقوق بین‌الملل دو نظر وجود دارد نظر نخست از این قرار است که اطلاق واژه « هر کس » می‌تواند کودکان متولد نشده را هم در برگیرد. طرفداران این نظر معتقدند که در این خصوص هیچ شواهد تاریخی وجد ندارد که تدوین‌کنندگان اعلامیه جهانی حقوق بشر و یا تدوین‌کنندگان اعلامیه و کنوانسیون حقوق کودک در نظر گرفته باشند که کودک قبل از تولد، صرفاً مستحق این قبیل « حفاظت قانونی » است که برای اشیاء قانونی مناسب است و اگر منظور این بوده که به رسمیت شناختن به‌عنوان یک شخص در برابر قانون را برای کودکان پس از تولد رد نمایند و چنین تمایز مهمی مرود نظر بود، آن را به‌طور کامل مورد بحث و تحلیل قرار می‌دادند. به عقیده آن‌ها حق به رسمیت شناختن به‌عنوان یک شخص در برابر قانون اساس حق جنین را برای بهره‌مندی از حقوق و آزادی‌های بشری بر اساس برابری، و به همان دلیل که کودکان بعد از تولد از آن بهره می‌برند، تشکیل می‌دهند. از این رو اینان معتقدند که فشار جهانی اخیر برای جرم‌زدایی از سقط جنین در واقع نقش فاحش این تعهد حقوق بشری است. (۱۲)

جنین انسان را به‌عنوان بخشی از خانواده بشری تلقی کنیم، در این صورت به قتل رساندن او به شک سیستماتیک و قانونمند عملی است که در تعریف نسل‌کشی قرار می‌گیرد. لذا دلایل قابل اراده برای این کشتار انسانی سیستماتیک، نمی‌تواند در نتیجه‌گیری به نفع سقط جنین مؤثر باشد. برای نمونه چنانچه توجیه سقط جنین، جلوگیری از گسترش معلولیت‌ها اعم از ذهنی و جسمی معرفی گردد، باید گفت همین گروه از انسان‌ها که تشکیل‌دهنده بخشی از گروه‌های انسانی هستند، نیز تحت حمایت حقوق بین‌الملل قرار دارند. و دقیقاً از همان حقوقی برخوردارند که افراد غیر معلول از آن بهره‌مند و لازم است از ایشان در قبال هرگونه بهره‌کشی و مقررات و رفتارهای تبعیض‌آمیز، تحقیر و خوار شوند، حمایت قانونی به عمل آید. چنانچه نابود ساختن سیستماتیک معلولین یادآور اعمال نازی‌ها و به‌منزله جنایت نسل‌کشی و در نهایت نقض مفاهیم کنوانسیون مربوطه باشد. آیا نمی‌توان بر آن بود که نابود ساختن اطفال تولد نیافته بنا بر دلایلی مشابه نیز به معنای نسل‌کشی است؟ این نتیجه‌گیری آنگاه تقویت می‌شود که بیان داشته باشیم اسناد بین‌المللی حقوق بشر، آشکارا تاب تفسیر موسع رادارند. علاوه بر کنوانسیون منع مجازات جنایت امحانزادی از اقداماتی صحبت می‌کند که به‌منظور جلوگیری از زادوولد در گروه‌های انسانی به عمل می‌آید. شماری از اندیشمندان گمان می‌دارند این امر صرفاً معطوف به واداشتن زنان به سقط جنین زیر سایه وحشت و ارباب نیست. بلکه تحریک، تشویق، و اغوای آنان به نابود ساختن کودکان تولد نیافته نیز به‌منزله نسل‌کشی است. بنابراین دولت‌هایی که به تشویق اتباع خود به سقط جنین اقدام می‌کنند، عملاً در ردیف ناقضین کنوانسیون قرار دارند. به‌طور کلی محرک اصلی ارتکاب فعل نسل‌کشی، عدم باور نسبت به تعلق حقوق بشر به برخی گروه‌های انسانی است. بنابراین لازم است در مورد اعلام فقدان شخصیت انسانی در جنین انسان، همان‌طور که می‌توان در مورد ارتکاب اعمالی در هنگام صلح و آرامش که به هنگام شعله‌ور به شمار می‌آیند، سخت تأمل نمود. (۱۰)

ت: منع سقط جنین در اسناد بین‌المللی

به‌طور کلی حقی به‌عنوان « حق بر سقط جنین » در قوانین بین‌المللی حقوق بشر پذیرفته نشده است. اما در سال‌های اخیراً طرفداران سقط جنین به دنبال پیشبرد این ایده هستند که حقی برای سقط جنین، بر اساس قوانین بین‌المللی حقوق بشر، وجود دارد و به همین دلیل معتقدند دولت‌های مستقل باید در قوانین خود جهت اعطای این حق اصلاحاتی انجام دهند. این امر در حالی است که هنگامی که میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان و کنوانسیون حقوق کودک در حال مذاکره بودند و حتی پس‌از آن، در قوانین بسیاری از دولت‌های مذاکره‌کننده جنین مورد حمایت بود و سقط جنین جرم انگاری شده بود. تا همین اواخر، کسی نمی‌توانست جتی پیشنهاد کند که این دولت‌ها به نحوی برای تغییر قوانین داخلی خویش در تأیید حق بر سقط جنین موافقت نمایند. (۱۱) هم‌چنین باید به این نکته توجه داشت که در حال حاضر، در حقوق بین‌الملل هیچ قاعده‌ای مبنی بر حق سقط جنین در حقوق معاهده‌ای و

8. Habibzadeh, M., 2005, An Introduction to the Practical Limitations of Criminalization, Mofid Letter, Mofid University, No. 1, Volume One, pp. 91-92.
9. Maghami, A., 2008, Euthanasia and Self-Esteem, A Challenge in the Nature of Human Rights, Iranian Journal of Medical Ethics and History, No. 2, pp. 18-24.
10. Mehregan, A., 2005, Abortion and human rights in international law, Quarterly Journal of Reproduction and Disbelief, pp. 421-433.
11. Piero A. Tozzi, J.D. (2010), International Law and the Right to Abortion, International Organizations Law Group, Legal Studies Series, Number One, p1-6.
12. Rita, Joseph (2009), Human Rights and the Unborn Child, Netherlands: Martinus Nijhoff Publishers, p. 67 and 68 and 142.

نتیجه گیری

موضوع پایان نامه حاضر بررسی سقط جنین در فقه امامیه و اسناد بین المللی بوده است و در بررسی و کاوش آن به نتایج ذیل دست یافته است.

سقط جنین عبارت است از اخراج حمل قبل از موعد طبیعی زایمان به نحوی که زنده یا فال زیستن نباشد.

سقط جنین یکی از مسائلی است که در طول تاریخ با برخورد های متفاوتی مواجه بوده است. سقط جنین به دلایلی چون تنظیم خانواده، مخفی نمودن روابط نامشروع، گریز از حاملگی ناخواسته، حامله شدن زن در غیاب مرد، مورد تجاوز قرار گرفتن و عدم آشنای یکامل زنان با وسایل پیشگیری از حاملگی یا عدم تاثیر وسایل مربوطه و... انجام می گرفته است.

جرم انگاری سقط جنین در نظام حقوق ایران از قبل از انقلاب آغاز شده است. یعنی در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۰۴ مواد ۹۰ و ۹۱ قانون تعزیرات سال ۱۳۶۲، و مواد ۶۲۲ و ۶۲۳ و ۶۲۴ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۵ به سقط جنین عمدی اختصاص یافته بوده است.

در اسناد بین المللی حق حیات یکی از حقوق بنیادین حقوق بشر است. و از این باب سقط جنین را منع نموده اند.

سقط جنین در همه شرایط حرام و غیر قانونی نیست بلکه در برخی موارد جایز و حتی واجب است. زیرا جفاظت از جان مادر، اقتضا می کند که جنین سقط شود. البته باید سقط جنین به تایید گروه پزشکان حاذق و خبره در این مساله برسد تا همه جوانب انسانی و اخلاقی مد نظر قرار گیرند.

References

1. Shambiati, H., 2016, Criminal Law of Akhkh = Tassasi, Volume One, Majd Publishing, Third Edition, p.45.
2. Pad, A., 2006, Exclusive Criminal Law, Daneshvar Publications, Vol.
3. Jafari Langroudi, M., 2002, Legal Terminology, Twelfth Edition, Ganj-e-Danesh Library, p. 2175.
4. Walidi, M., 2006, Exclusive Criminal Law. Eighth edition, Tehran: Amirkabir Publications, vol. 2, p. 149
5. Golduzian, A., 2002, Islamic Penal Code, Majd Publications, p. 185.
6. Talanati, M., 1383, growth of support, family planning and abortion, first edition, Qom, Qom Book Park, p. 52.
7. Haji Ali, F., 2004, Abortion, Sanctity or Permission, Articles and Reviews, Office 76, p. 54